

تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری (نمونه موردی کلانشهر اهواز)^۱

محمد امین جرفی

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

مهدی مدیری *

استاد دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

مسعود مهدی حاجیلویی

استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

چکیده

شهر به عنوان پدیده‌ای پیچیده و پویاست که در گذر زمان همواره دچار تحولاتی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و فرهنگی شده است. یکی از مهمترین رویکردهای حاضر به منظور ارتقای کمی و کیفی فضاهای شهری و ارائه خدمات‌رسانی مناسب و دستیابی به توسعه پایدار شهری، رویکرد مدیریت یکپارچه در دستگاه‌های اداره‌کننده شهر می‌باشد. تحقیق حاضر با رویکردی تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحقیق روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر منابع اسنادی و پیمایشی به تحلیل نحوه توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه نمونه موردی کلانشهر اهواز پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توزیع کاربریها در وضع موجود بر اساس مدل GIS به صورت عادلانه نمی‌باشد و بعضی از مناطق از دسترسی نیز به بعضی خدمات مانند فضای سبز، درمانی، بهداشتی و... محروم هستند. همچنین براساس آزمون تی تک نمونه‌ای رابطه معناداری بین توسعه پایدار شهری و مدیریت یکپارچه‌ی شهری اهواز وجود دارد.

کلیدواژگان: توسعه پایدار، برنامه‌ریزی فضایی، مدیریت یکپارچه، کلانشهر اهواز.

^۱ این مقاله بر گرفته از رساله دکتری تحت عنوان ارزیابی توسعه پایدار شهری در توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری (محدوده مطالعاتی کلانشهر اهواز) می‌باشد

* نویسنده مسئول: mmodiri@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای ایران در دهه‌های اخیر از هم‌پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری بوده که این امر زمینه‌ساز نابرابری اجتماع شهروندان در برخورداری از خدمات شهری شده است (Hataminejad, 2008: 71). لذا نابرابری‌های شهری از مسائل عمده و نگران‌کننده در بیشتر بخش‌های جهان است، از این رو، بخشی از هدف اجتماعی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، کاهش نابرابری شهری به‌طور عام و خاص است. (DuPont, 2007: 193-194) در واقع نابرابری‌های شهری، تداوم چالش‌های توسعه در بیشتر شهرها را نشان می‌دهد (Shankar & Shah, 2003) که تداعی‌کننده یک نوع بی‌عدالتی در فضاهای شهری است. (Dufaux, 2008: ۲۰۸۳).

از اوایل قرن نوزدهم، تفاوت میان نحوه درآمد در نقاط مختلف شهری، نظریه پردازان شهری را به ارائه فرضیه‌هایی پیرامون پیدایش نابرابری وا داشته است (Arbakaf, 2008: 28). در حقیقت سازمان فضایی متعادل در شهرها، نوعی از پایداری شهری است و این پایداری زمانی ایجاد می‌شود که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در شهرها به وجود آید. مهم‌ترین عاملی که بر توزیع فضایی جمعیت در مناطق شهری مؤثر است، توزیع خدمات در شهرها می‌باشد. سکونت اقشار کم درآمد در مکان‌هایی که جاذب سایر گروه‌های اجتماعی نیست، به تمرکز فقر می‌انجامد و این فرایند به جدایی‌گزینی طبقه کم درآمد از سایر گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود (شاه حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۸). با این وجود، می‌توان دریافت که توزیع بهینه خدمات شهری از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی بشمار می‌رود. چراکه تداوم حفظ منافع گروه‌های اجتماعی مختلفی بر اساس گسترش بهینه‌ی منافع شهری، درآمدها و هزینه‌ها را در برخواهد داشت (Gray, 2002: 27). اهمیت تحقق عدالت اجتماعی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری تا آنجاست که برخی هدف اصلی برنامه‌ریزی را «عدالت فضایی» می‌دانند (لیپست و دیگران، ۱۳۸۱، ۵۳). به همین دلیل مطالعات مربوط به عدالت فضایی و تاسیسات خدمات شهری گسترش زیادی یافته است (Tsou at al, 2005: 424).

با عنایت بر اینکه تحقق عدالت اجتماعی در شهرها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی خواهد نمود. با توجه به اهمیت موضوع در ابعاد مختلف وجودی و نیز وجود چنین شرایط ناهمگون در میزان تحقق عدالت اجتماعی، موضوع برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری با رویکرد توزیع عادلانه منابع و خدمات از اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و مدیران شهری به دور نمانده و به نتایج ارزنده‌ای نیز در این خصوص دست یافته‌اند. (Tsou, 2005; Talen and anselin, 1998; موسوی، ۱۳۹۱؛ حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱؛ شاهنوشی و دیگران، ۱۳۸۵؛ ذاکریان، ۱۳۸۹؛ مرصومی، ۱۳۸۳).

پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون اینکه به طور اجبار در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم به آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش از حد روی آنها، به ضعف کشیده شود (Gilman, 1996: 1). بنابراین، همان‌گونه که کمیسیون توسعه پایدار نیز تصریح دارد، ابعاد توسعه پایدار در برگیرنده خصیصه‌های اجتماعی و اقتصادی و محیطی است که بیانگر مفهومی موزون و به هم پیوسته در قالب کلیتی واحد و دارای تعامل است. فرایند توسعه پایدار نقش پایداری اجتماعی در تحقق اهداف توسعه شهری بسیار پراهمیت است. پایداری نظام اجتماعی به معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه

منابع انسانی و در نهایت خودتوانی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش‌هاست. در این معنا اهداف اجتماعی توسعه پایدار در مضامینی چون فرصت‌های برابر (درون و بین نسلی)، توانمندسازی، ارتقای کیفیت زندگی، کرامت و حقوق انسانی، فقرزدایی، تنوع فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، رفاه اجتماعی و تعلق خاطر مکانی به شکلی گسترده مورد تأکید قرار گرفته است.

غلبه بر نابرابری‌های شهری در طول سالیان گذشته جز با اعمال نگرش سیستمی و فضایی در ارتباط بین انسان، فعالیت و فضا قابل بررسی نمی‌باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶). بطوری که این نابرابری‌ها در برخی مناطق در حدی بوده است که باعث مهاجرت از نواحی محروم به مناطق برخوردار شهری و منطقه‌ای گردیده است (Noorbakhsh, 2002: 931).

در نتیجه موضوع توسعه پایدار، خدمات شهری و مدیریت یکپارچه شهری از اهم موضوعات برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی می‌باشد. به عبارت دیگر دستیابی به توسعه پایدار در گروه دو موضوع خدمات شهری و مدیریت یکپارچه می‌باشد که پژوهش حاضر در بررسی این موضوع در کلانشهر اهواز را مد نظر قرار داده است. هدف از این مقاله سنجش خدمات فضایی در سطح کلانشهر اهواز می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم توسعه پایدار از همان ابتدا با رویکرد انتقاد به روشهای برنامه‌ریزی قدیمی - که نسبت به محیط زیست بی‌توجه بوده - (Gomez and Salvador, 2006) و فراهم نمودن زمینه در راستای تعادل بین محیط زیست طبیعی و انسان ساخت به منزه ظهور رسید، در دهه‌های اخیر شهرهای اغلب دنیا و ایران به‌عنوان کانون تلاقی این دو محیط و توسعه روزافزون با معضلات عدیده‌ای مانند افزایش بی‌رویه جمعیت، توسعه غیرهدفمند کالبدی و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی همراه بوده، است. پذیرش این اصل، که توسعه پایدار مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در شهرهاست، رفع نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، آسیب‌پذیری اقشار کم درآمد، توزیع بهینه خدمات و امکانات و توجه به نیازهای اساسی شهروندان، هرچه بیشتر به اهمیت نگرش به توسعه پایدار می‌افزاید. روند شهری شدن جهان در کشورهای در حال توسعه، با عدم تعادل‌های خدماتی و پراکنش جمعیت و رشد بی‌قواره شهری مواجه بوده است، به طوری که ناپداری حاصل از این رشد ناموزون به شکل عدم تعادل‌های فضایی - اجتماعی با نمودهای فقر شهری، اسکان و اشتغال غیررسمی، ضعف حاکمیت محلی و آلودگی‌های زیستی، نمایان شده است (بوچانی، ۱۳۸۵: ۶۶). در همین راستا، توزیع مناسب و بهینه امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در میان مناطق و نواحی، یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از نابرابریها و شکاف توسعه و توزیع فضایی مناسب جمعیت در پهنه سرزمین است. مساله مهم در برقراری توسعه پایدار شهری توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماعی شهرها در بستر برنامه‌ریزی است (marcotullio, 2001: 577). با این وجود، توجه به گسترش کالبدی شهری پایدار، به عنوان یک ضرورت اساسی در برنامه‌های گسترش شهری، حاکی از اهمیت این موضوع در تقویت جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهر دارد. یکی از بحث‌های مهم در فرآیند شهرنشینی ایران، گسترش مکانی - فضایی سریع شهرها است. افزایش بی‌ضابطه و قانونمند تعداد شهرها و رشد ناموزون آن‌ها به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه و افزایش

جمعیت، یکی از مشکلات اساسی نظام شهری کشور است. اکنون هم یکی از مسایل تمام شهرها، رشد شهرنشینی و به تبع آن گسترش شاخک‌های خزنده‌ی شهری بر اراضی پیراشهری است، که پیامدهایی چون؛ حاشیه‌نشینی، نابودی اراضی کشاورزی، افزایش جمعیت شهرها، عدم امکان پاسخگویی برخی از خدمات و کاربری‌ها در شهر، گسستگی بافت‌های کالبدی، مشکلات زیست محیطی، خصوصاً آلودگی و نابسامانی سیمای شهری داشته است (حسین زاده دلیر و هوشیار، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

اصولاً توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن، مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است. برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق اجرای برنامه‌ای متعدد محرومیت زدایی و گسترش همه جانبه جنبه‌های مثبت توسعه‌یافتگی دارند. گام نخست در این زمینه؛ تدوین برنامه‌ای کارآمد و منطبق بر واقعیت‌ها، دستیابی به هدف برتر عدالت اجتماعی و شناسایی شرایط موجود است. با این وجود، برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و گسترش همه جانبه جنبه‌های مثبت توسعه‌یافتگی دارند (رضوانی و صحنه، ۱۳۸۲: ۲). از آنجایی که پایداری شهری گونه‌ای از توسعه پایدار است که محیط‌ها و فضاهای شهری را در بر می‌گیرد، این مقوله زمانی تحقق خواهد یافت که اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار، به عنوان اصلی در مطالعات توسعه شهرها به کار گرفته شود. (Drakakis Smith, 2000, 8-7). به طور کلی؛ شهر پایدار شهری است ایده‌آل که بتواند سرپناه و آسایشگاهی برای انسان فراهم نماید، به گونه‌ای که بتواند تمامی نیازهای ساکنین را فراهم سازد. در اروپا و امریکای شمالی، دولت‌ها و برنامه‌ریزان شهر فشرده را تشویق می‌کنند که زندگی کردن در تراکم زیاد را تسهیل و جمعیت را به بازگشت به محله‌های قدیمی درون شهر تشویق می‌کند و به این وسیله زمان سفر از خانه به محل کار را کوتاه و از مصرف انرژی می‌کاهند (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۲۹۰).

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق در سه محور توسعه پایدار، خدمات شهری و مدیریت یکپارچه تحقیقاتی انجام گردیده که در ذیل مطالبی ارائه گردیده است:

چراغیان (۱۳۹۵)، در پژوهشی توصیفی به بررسی مسئله سیستماتیک در حوزه مدیریت یکپارچه شهری اقدام نموده است. که در نتایج خود بیان داشته است. روش سیستماتیک زمینه ورودی‌های لازم برای توسعه پایداری شهری می‌باشد. که مسیر اول آن مبتنی بر نظریه‌های خلاقانه‌ای است. که این مسیر نیازمند در نظر گرفتن بافت بومی هر منطقه شهری و تطبیق آن با خدمات لازم می‌باشد. و مسیر دوم نیازمند شناسایی مشکلات آینده و حال شهر و شهروندان می‌باشد.

فرجی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با مدل COPRAS به بررسی زیرساخت خدمات گردشگری پرداخته است. و بیان داشته است مدل COPRAS که یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاری است، محورهای گردشگری استان فارس رتبه‌بندی شدند و در چهار سطح قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محورهای شمالی و جنوبی با توجه به اینکه درگاه بیشترین ورود گردشگران به این استان هستند، از خدمات کمتری برخوردارند و باید در اولویت توسعه خدمات و زیرساخت‌های گردشگری قرار گیرند.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی اقدام به مطالعه عوامل عدم تحقق مدیریت یکپارچه شهری بر اساس قوانین نموده اند که در این پژوهش بیان داشته اند. در نبود مدیریت یکپارچه شهری نابسامانی و ناهماهنگی در ارائه خدمات شهری به شهروندان شکل می گیرد. و طرح موضوع مدیریت یکپارچه شهری و تحلیلی سیستم مدیریت شهری ایران جهت رفع موانع و کاستی ها می توان حایز اهمیت فراوانی باشد. که در ادامه پژوهش اقدام به ارائه راهکارها نموده اند.

- مرصوصی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با مدل TOPSIS بیان داشته است تکنیک تاپسیس به منظور رتبه بندی مناطق و آنتروپی شانون در جهت وزن دهی شاخص ها استفاده شده است. نتایج نشان دهنده توزیع فضایی نامناسب خدمات شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است و اختلاف در سطح برخورداری یکی از مهمترین عوامل ناپایداری توسعه در مادر شهر تهران تشخیص داده شده است. بررسی های حاصل از این تحقیق نشان می دهد که، صرف وجود خدمات در یک شهر، حتی اگر که بیش از نیاز واقعی باشد و یا با سرانه استاندارد برابر باشد نمی تواند جوابگوی نیاز همه ساکنان شهر باشد و به پایداری شهر منجر شود.

معقول و حسینی (۱۳۹۲) در پژوهشی اقدام به مطالعه رویکرد مدیریت یکپارچه شهری در محور توسعه پایدار فضای سبز نموده اند. که در این پژوهش در نتایج خود بیان داشته اند ارائه خدمات مطلوب به شهروندان و گام نهادن در مسیر توسعه ی پایدار فضای سبز شهری، مدیریت یکپارچه شهری الزامی است. تدوین یک استراتژی مدیریت یکپارچه شهری، مدیریت شهری را برای دستیابی به توسعه پایدار فضای سبز شهری کمک می کند. توسعه فضای سبز زمانی می تواند مفید واقع شود که در رابطه با دیگر کارکردهای شهری باشد. با توجه به این پژوهش می توان گفت که مدیریت یکپارچه شهری یک عامل تاثیرگذار در توسعه ی پایدار فضای سبز شهری است.

در سال (۱۹۶۶) ریچارد مورفی محقق آمریکایی جهت سطوح توسعه یافتگی نقاط شهری این کشور از طریق تعیین حوزه نفوذ شهرها شاخص هایی چون خدمات، مهاجرت های روزانه، تأسیسات و تجهیزات شهری، توزیع روزنامه ها و غیره را به کار گرفت و شهرهای این کشور را به چند طبقه متفاوت از سطوح توسعه، طبقه بندی نمود. فکر آمایش سرزمین و تعادل بخشی به جمعیت و خدمات بعد از جنگ دوم جهانی در فرانسه، این کشور را وادار کرد تا با مطالعه استخوان بندی سطوح متروپل های بزرگ و منطقه ای از طریق شاخص های مختلفی چون جاذبه و حوزه نفوذ شهرها، مراکز بهداشتی و درمانی، تأسیسات و تجهیزات شهری، مراکز فرهنگی - هنری، مراکز آموزش عالی و غیره شهرهای این کشور را از لحاظ سطوح توسعه سطح بندی نماید.

در سال ۱۹۹۴ نلسون آرتور و همکارانش با بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی و نقش دولت ها در توسعه ناحیه ای شهرهای آتلانتا و پورتلند در یک دوره ۳۰ ساله (۱۹۹۰ - ۱۹۶۰) نتیجه می گیرند با وجودی که بیشترین میزان سرمایه گذاری های اقتصادی در منطقه آتلانتا صورت گرفت، پورتلند از دو شهر دیگر از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده و آنچه باعث تجدید حیات شهری این ناحیه نسبت به دو ناحیه دیگر شده مسئله مدیریت و هماهنگی در برنامه ریزی توسعه ناحیه ای این شهر نسبت به دو شهر دیگر است.

ینگ و همکاران (۲۰۰۵)، در مقاله ای با عنوان تجزیه و تحلیل تجربی از مدیریت شهری و خدمات عمومی در شهرهای چینی به بررسی نمونه وار مدیریت شهری در برخی شهرهای کشور چین پرداخته اند. مطالعه تطبیقی پژوهشگران نشان داده است که در حال حاضر الگوهای متفاوت مدیریت شهری در این کشور وجود دارد. محققان در بررسی های خود

برخی عوامل اساسی تأثیرگذار بر این شرایط را که منجر به شکل‌گیری الگوهای مختلف مدیریت شهری شده است شناسایی کرده‌اند.

روتمنز و آسلت (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان سیاستها و نوآوری‌ها در کشورهای درحال توسعه، اهمیت پیچیدگی مدیریت شهری و سازمان ارائه‌کننده خدمات را مورد توجه و تأکید قرار داده‌اند. به عقیده آنها، مدیریت گروههای پیچیده نظیر شهرها نیازمند استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی پیشرفته و نوآوران است که بتواند شرایط موجود شهرها را به درستی بررسی و توسعه‌های مورد نیاز آینده را پیش‌بینی کند.

روش تحقیق

با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، نوع تحقیق «کاربردی- توسعه‌ای» و روش بکارگرفته‌شده «توصیفی- تحلیلی» می‌باشد. داده‌های موردنیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای از منابع مختلف آماری جمع‌آوری شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلانشهر اهواز می‌باشد. در همین راستا، از متخصصین و کارشناسان امر به تعداد ۳۸۵ نفر و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از سیستم اطلاعات جغرافیایی و SPSS استفاده شده است. در همین راستا، به منظور برنامه‌ریزی و دستیابی به توسعه پایدار شهری در توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه در کلانشهر اهواز از ۵۰ نفر از کارشناسان و مسئولان شهری مناطق شهرداری اهواز پرسشگری به عمل آمده که ویژگی‌های آن‌ها در جدول زیر آمده است که از کل نمونه‌ی آماری تحقیق ۷۲ درصد مرد و ۲۸ درصد زن می‌باشند که از نظر گروه سنی بیشتری فراوانی مربوط به ۴۹-۴۰ سال با ۴۴ درصد، از نظر تحصیلات بیش‌ترین فراوانی کارشناسی با ۴۶ درصد و از نظر سمت نیز بیش‌ترین فراوانی با ۷۴ درصد مربوط به کارشناسان شهری می‌باشد.

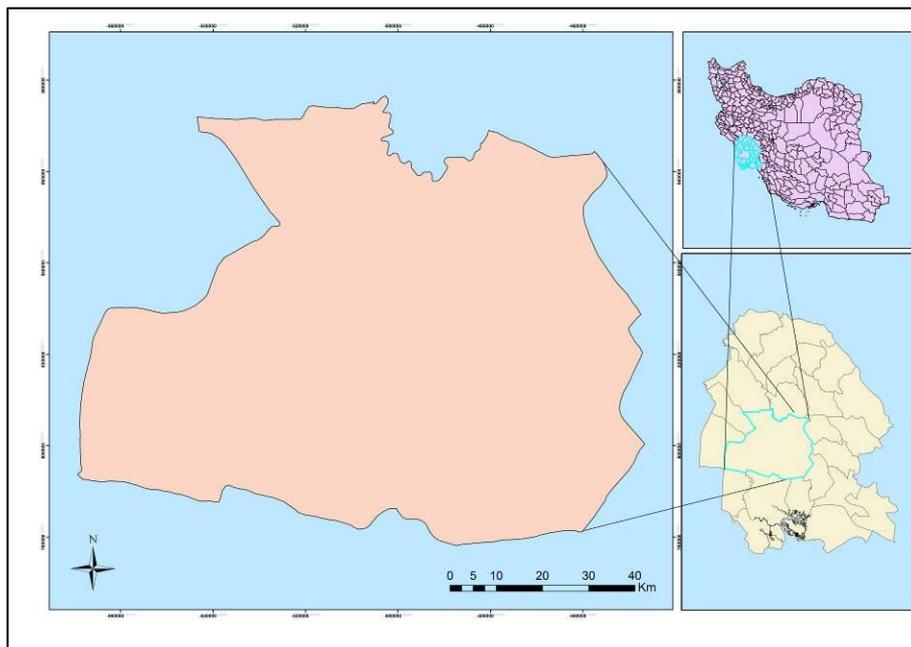
جدول ۱- ویژگی‌های نمونه آماری تحقیق

جنسیت	تعداد	سن	تعداد	تحصیلات	تعداد	سمت	تعداد
مرد	۳۶	۲۹-۱۹	۶	کاردانی	۳	مدیر ارشد	-
		۳۹-۳۰	۱۷	کارشناسی	۲۳	مدیر میانی	۳۷
زن	۱۴	۴۹-۴۰	۲۲	کارشناسی ارشد	۲۱	کارشناس شهری	۱۳
		۵۰ سال و بالا	۵	دکتری	۳		

ماخذ: نگارنده

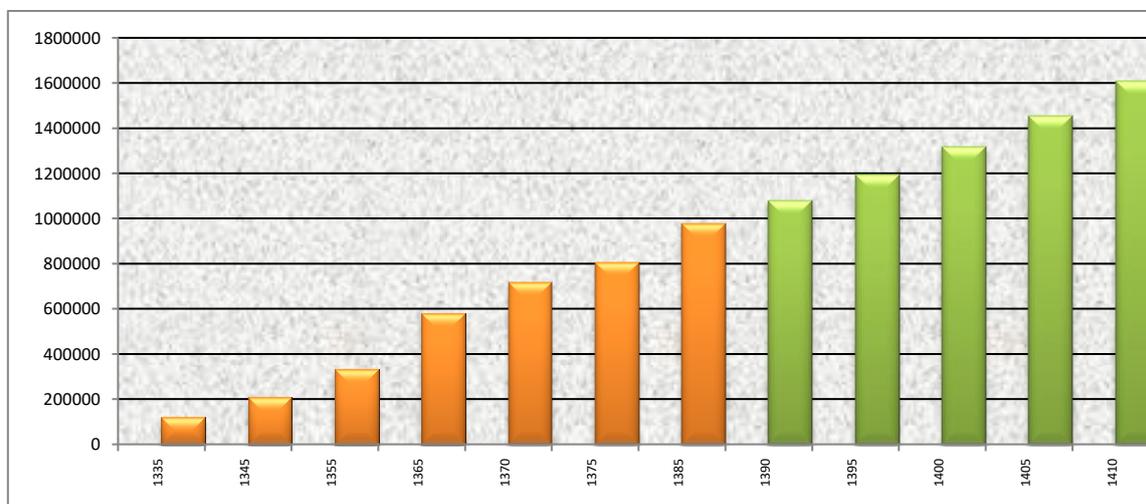
معرفی محدوده مورد مطالعه

کلانشهر اهواز مرکز استان خوزستان، ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸ متر می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری اهواز، ۱۳۹۱: ۹) و در موقعیت جغرافیایی بین ۳۱ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است (معروف نژاد، ۱۳۹۰: ۶۹). وسعت کلانشهر اهواز در محدوده قانونی شهری ۲۲۲ کیلومتر مربع و محدوده خدماتی ۳۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد و دارای ۸ منطقه شهری می‌باشد.



شکل ۱- منطقه مورد مطالعه (کلانشهر اهواز)

شهر اهواز، در طی ۵ دهه پیوسته از رشد یکسانی برخوردار نبوده است. در دهه ۳۵-۴۵ دارای نرخ رشد ۵/۵ درصد، در دهه ۴۵-۵۵ دارای نرخ رشد ۴/۹ درصد، در دهه ۵۵-۶۵ دارای نرخ رشد ۵/۵۳ درصد، در دهه ۶۵-۷۵ دارای نرخ رشد ۳/۳۴ درصد، در دهه ۷۵-۸۵ نرخ رشدی معادل ۲/۲ درصد و بالاخره در دهه ۸۵-۹۰ نرخ رشدی معادل ۱/۵۵ درصد را دارا بوده است.

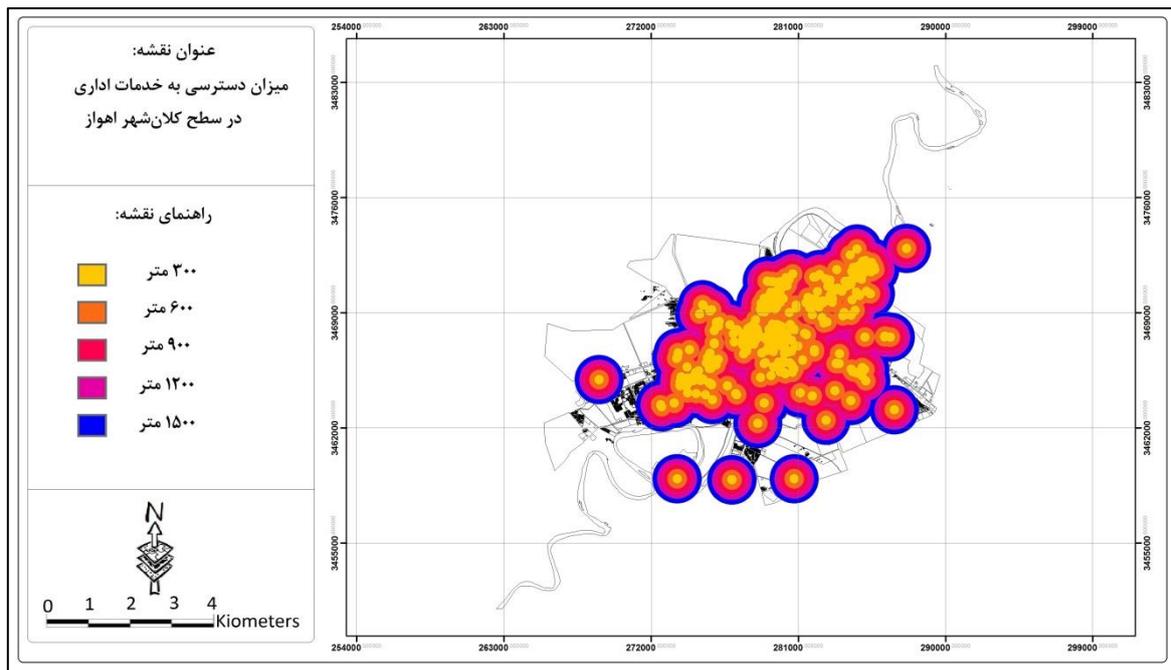


شکل ۲- جمعیت شهر اهواز از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۵ و برآورد تا ۱۴۱۰

یافته های پژوهش

توزیع فضایی خدمات شهری در کلانشهر اهواز با استفاده از مدل

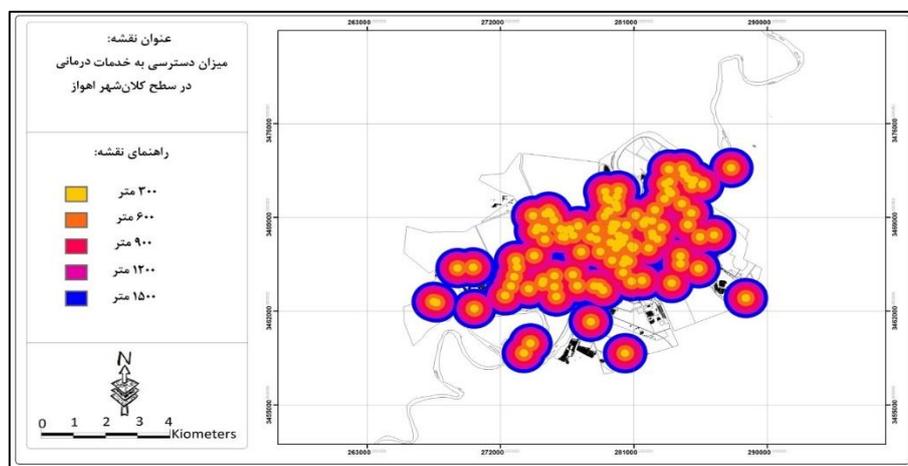
در این قسمت از تحقیق با استفاده از نرم افزار GIS و مدل های ذکر شده بصورت الگوی Buffer به تهیه نقشه های دسترسی به خدمات شهری در قالب پنج خدمات شهری اصلی یعنی اداری، آموزشی، فضای سبز، انتظامی و درمانی پرداخته شده است.



شکل ۳- توزیع فضایی خدمات اداری در سطح کلان‌شهر اهواز

- خدمات درمانی

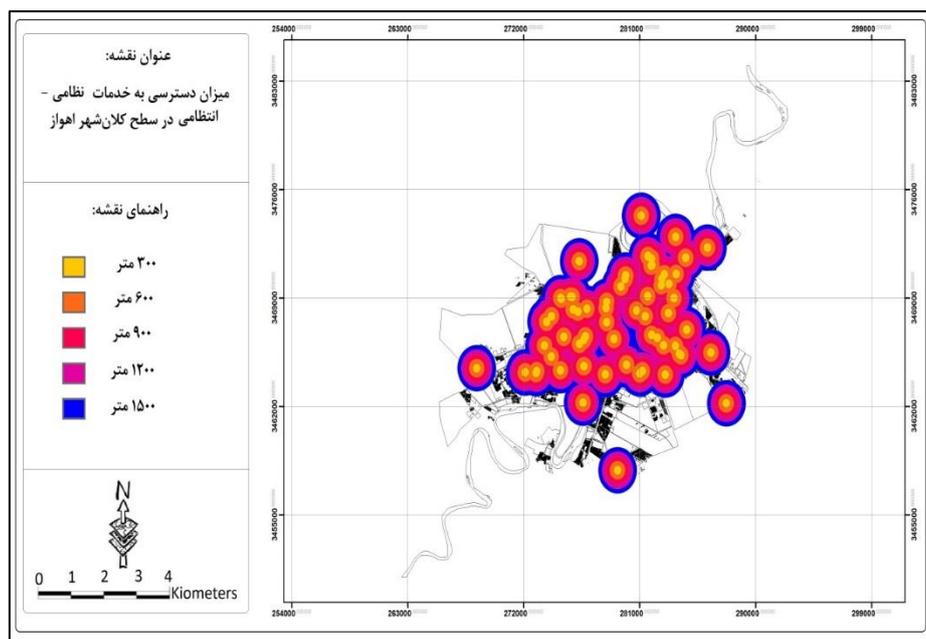
کلان‌شهر اهواز دارای ۶۷ درمانگاه عمومی، ۱۰۴ آزمایشگاه (در حوزه‌های مختلف) و ۲۱ بیمارستان می‌باشد که شکل ۳، نحوه‌ی توزیع فضایی این مراکز را نشان می‌دهد. این ضریب پراکندگی این خدمات که نشان از بیشترین شکاف و نابرابری بین مناطق شهر اهواز است. و باید در اولویت برنامه‌های توسعه قرار بگیرند تا فاصله آنها با مناطق توسعه یافته تر کمتر شود. بنابراین باید با تقویت و گسترش زیرساختها و امکانات در مناطق محروم، شکاف موجود میان این مناطق و مناطق توسعه یافته را از بین برد و شهرداری و مدیریت شهری باید به پخش متعادل امکانات و خدمات در میان مناطق شهر اقدام کند تا عدالت در برخورداری از خدمات درمانی در تمامی مناطق ایجاد گردد، و منجر به توسعه‌ی یکنواخت مناطق شود. این در سطح شهر اهواز براساس الگوی کاملاً خوشه‌ای توزیع شده است. یعنی تجمع و تمرکز این کاربریها عدالت محور نبوده و در نقاط خاصی از شهر تمرکز یافته اند.



شکل ۴- توزیع فضایی خدمات درمانی در سطح کلان‌شهر اهواز

خدمات انتظامی - نظامی

کلان‌شهر اهواز دارای ۲۰ کلانتری می‌باشد که این مراکز به برقراری نظم و امنیت در فضاهاى شهری و برطرف کردن مشکلات مردم رسیدگی می‌نماید. از این ۲۰ مرکز، ۲ مرکز در منطقه ۱، ۳ مرکز در منطقه ۲، ۲ مرکز در منطقه ۳، ۴ مرکز در منطقه ۴، ۱ مرکز در منطقه ۵، ۱ مرکز در منطقه ۶، ۱ مرکز در منطقه ۷، ۲ مرکز در منطقه ۸ و همچنین ۲ مرکز بصورت مشترک در مناطق ۱ و ۸، ۱ مرکز بصورت مشترک در مناطق ۴ و ۵ و ۱ مرکز بصورت مشترک بین مناطق ۲ و ۴ قرار گرفته‌اند که مسئولیت رسیدگی به مشکلات این مناطق را بر عهده دارند. از طرفی کلانشهر اهواز دارای انواع مراکز نظامی است که عهده دار سایر امور و خدمات رسانی به مردم می‌باشد. آنچه در بررسی این خدمات در سطح شهر اهواز حائز اهمیت است توزیع فضایی این مراکز در سطح شهر از نظر دسترسی مراجعان و حوزه استحفاظیه که هر کدام از آنها تحت پوشش قرارمیدهند و همچنین فاصله کلانتریها نسبت به یکدیگر است که باید مورد توجه قرارگیرند. بر مبنای بررسی های انجام شده کلانتری ها بیشتر در قسمت مرکزی شهر اهواز تمرکز بسیار زیادی دارند و تعداد آنها در قسمت های حاشیه ای شهر نسبت به مرکز شهر به مراتب کمتر است. در نقاط حاشیه ای شهر به دلیل شرایط خاص این مناطق نیاز به نظارت بیشتری است. این امر نشان دهنده توزیع ناعادلانه خدمات و تمرکز در قسمت مرکز شهر میباشد.

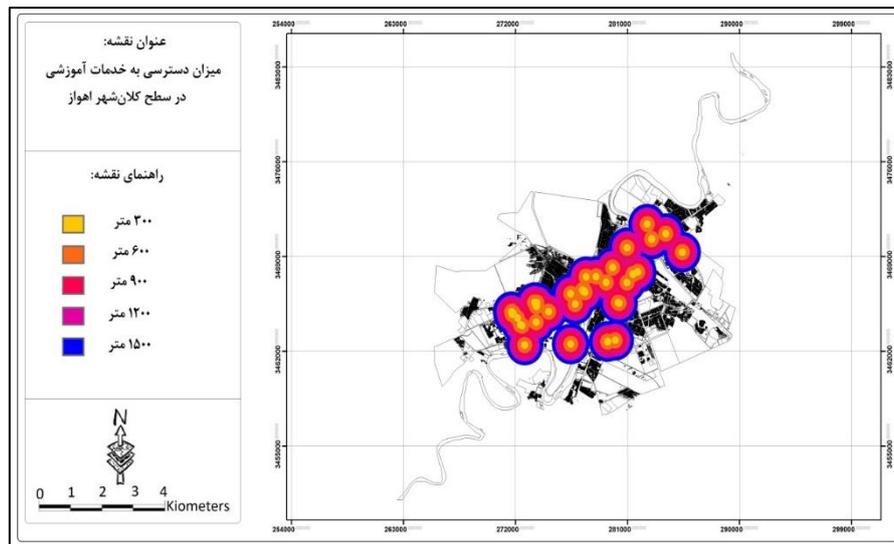


شکل ۵- توزیع فضایی خدمات انتظامی - نظامی در سطح کلان‌شهر اهواز

خدمات آموزشی

بی توجهی به خدمات زیر بنایی و خدمات عمومی شهری، باعث بروز کمبودها و فشار بر تأسیسات موجود میشود. واضح است که هر یک از سطوح تقسیمات کالبدی شهر بر اساس نیازهای شهروندان خدمات مختلفی را نیاز داشته و بر این اساس خدمات مختلف نیز بایستی با توجه به آستانه جمعیت موردنیاز در سطح مناطق توزیع شوند، امری که باعث توسعه متعادل مناطق شده و منطبق بر عدالت اجتماعی است. در سطح کلان‌شهر اهواز ۱۷۲۳ واحد آموزشی

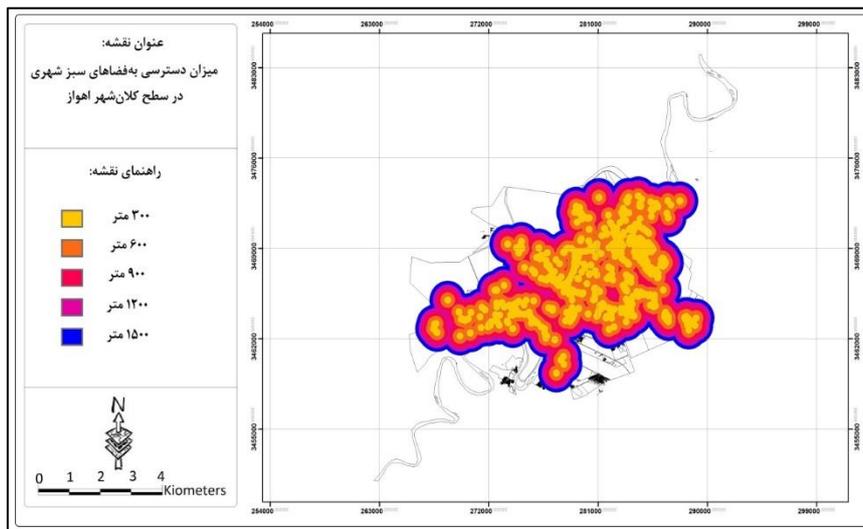
استقرار دارند که از این تعداد ۱۱۴۸ واحد دبستان و پیش دبستانی، ۴۳۲ واحد متوسطه، ۱۰۶ واحد هنرستان و ۳۷ واحد مدارس استثنایی را شامل می‌شوند. همچنین ۶ واحد آموزش عالی (دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه جندی شاپور، دانشگاه آزاد اهواز، دانشگاه صنعت نفت، دانشگاه پیام نور و دانشگاه علمی - کاربردی)، ۳۸ مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای و ۶ مدرسه‌ی علمیه خواهران در سطح کلان‌شهر اهواز وجود دارد که شکل زیر پراکنش فضایی این واحدهای آموزشی را نشان می‌دهد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که توزیعی مناسبی بین خدمات از لحاظ خدمات آموزشی دیده نمی‌شود.



شکل ۶- توزیع فضایی خدمات آموزشی در سطح کلان‌شهر اهواز

- فضاهای سبز

بصورت کلی درصد پراکندگی فضای سبز در مناطق شهری اهواز نسبت به میانگین درصد پایین تری دارد و جهت کاهش آلودگی هوا و زیباسازی شهر، فضای سبز در شهر باید افزایش یابد. از نظر پارک و فضای سبز در سطح شهر اهواز، حدود ۷۰ هکتار پارک عمومی و محله‌ای وجود دارد که سرانه آن ها $۰/۹۳$ مترمربع برآورد گردیده است. همچنین دو باب پارک جنگلی گلستان و ساحلی سرانه‌ای معادل $۰/۴۴$ مترمربع برآورد می‌گردد، و همچنین سطح فضای سبز عمومی $۷/۳$ مترمربع یعنی جمعاً فضای سبز موجود $۸/۶۷$ مترمربع است که در مقایسه با فضای سبز موجود در استان و سرانه تقریباً بیشتر می‌باشد. کل مساحت فضاهای سبز در کلان‌شهر اهواز ۱۴۴۸ هکتار می‌باشد که در این بین منطقه ۳ شهرداری اهواز با ۴۸۹ هکتار دارای بیشترین سطح فضای سبز و منطقه ۶، با ۵۲ هکتار کمترین سطح از آن را به خود اختصاص داده‌اند که بیانگر توزیع نامتعادل خدمات فضای سبز در سطح مناطق کلانشهر اهواز می‌باشد.



شکل ۷- توزیع فضایی فضاهای سبز در سطح کلان‌شهر اهواز

تحلیل جایگاه مدیریت یکپارچه شهری در توزیع عادلانه خدمات شهری

در این مرحله برای ارزیابی وضعیت و جایگاه مدیریت یکپارچه شهر در نحوه توزیع خدمات شهری از SPSS استفاده شده است. میزان گویه‌ها نیز ۱۲ مورد می‌باشد. به هر حال مدیریت یکپارچه شهری با برقراری ارتباط سیستمی بین ارگان‌های اداره‌کننده شهر و همچنین کاهش تفرق‌های مدیریتی و هماهنگ‌سازی در بین اداره‌های دخیل در امور شهری نقش ویژه‌ای در دستیابی به پایداری و نحوه توزیع خدمات را در سطح مناطق کلانشهر اهواز ایفا می‌کند. از طرفی مدیریت یکپارچه دارای اثرات دیگری نیز می‌باشد که بویژه در عرصه توزیع عادلانه خدمات نمود پیدا می‌کند که در جدول ۲ به ارزیابی آن پرداخته می‌شود.

جدول ۲: نقش مدیریت یکپارچه‌ی شهری در توزیع عادلانه خدمات شهری و دستیابی به توسعه‌ی پایدار

تی آماره	میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	گویه‌ها
۹/۵۶	۱/۰۶	۰/۱۰۰	۴/۰۴	کاهش هزینه‌ها
۶/۷۱	۰/۸۸	۰/۰۸۳	۳/۳۷	افزایش دسترسی‌ها
۷/۲۹	۰/۷۴	۰/۰۶۸	۳/۶۵	کاهش آلودگی هوا و منابع طبیعی
۸/۱۱	۱/۳۳	۰/۱۲۵	۳/۷۳	کاهش ترافیک و تردد روزانه‌ی مردم (افزایش آرامش روحی - روانی)
۹/۷۲	۰/۷۳	۰/۰۶۹	۴/۲۴	صرفه‌جویی در وقت و انرژی
۹/۱۴	۰/۹۹	۰/۰۹۴	۴/۱۷	فراهم آوردن خدمات با کیفیت و سرعت در ارائه‌ی آن
۸/۵۳	۰/۸۷	۰/۰۸۲	۳/۸۱	دسترسی راحت و همگانی به خدمات
۶/۳۲	۰/۸۴	۰/۰۷۹	۳/۷۳	توزیع عادلانه‌ی خدمات
۵/۵۷	۱/۲۸	۰/۱۱۴	۳/۴۵	دسترسی ۲۴ ساعته به خدمات
۴/۸۱	۰/۷۸	۰/۰۷۲	۳/۲۹	تنوع‌بخشی به خدمات شهری
۶/۵۳	۰/۶۹	۰/۰۶۳	۳/۴۸	ارائه‌ی خدمات ارزان‌تر به شهروندان
۷/۴۵	۰/۹۳	۰/۰۸۵	۳/۵۱	افزایش بهره‌وری
۴۳۲/۳۷۱				آزمون خی دو
۱۵				درجه‌ی آزادی

سطح معناداری	۰/۰۰۰
--------------	-------

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول (۲) از آزمون تی تک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه استفاده شده که ارزش آزمون تی برای این تحقیق ۳ در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه ارزش تی آماره برای هر متغیر بیشتر از عدد ۳ می‌باشد، بنابراین می‌توان عنوان کرد که مدیریت یکپارچه شهری نقشی ویژه در توزیع عادلانه خدمات و به سبب آن دستیابی به توسعه پایدار شهری دارد که صرفه‌جویی در وقت و انرژی، کاهش آلودگی‌ها و تنوع‌بخشی به خدمات از آن جمله می‌باشد. از اینرو می‌توان عنوان کرد که بین توسعه پایدار شهری و مدیریت یکپارچه شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه با توجه به مشکلات عدیده در شهرها و کلانشهرها، موضوع پایداری شهرها از ضروریات جوامع شهری محسوب می‌شود که نیازمند برنامه‌ریزی مناسب برای تمامی ابعاد شهرها می‌باشد. یکی از این ابعاد توزیع فضایی مناسب خدمات شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی و همچنین کاهش انرژی و وقت می‌باشد. مدیریت شهری در عصر حاضر بایستی برنامه‌ریزی مناسبی برای بهبود خدمات‌رسانی به شهروندان را انجام دهد که این موضوع با توجه به تغییرات در رویکردهای موجود حاصل می‌گردد.

رویکرد غالب در نظام مدیریتی ایران و کلان‌شهر اهواز تکنوکراسی بوده که از ویژگی‌های آن می‌توان به بلندمدت بودن، آرمان‌گرایانه بودن، توجه صرف به کالبد و فیزیک شهری و عدم در نظر داشتن ابعاد مختلف اشاره کرد. در حالی که رویکردهای نوینی در سطح جهان مطرح و قابل اجرا بوده که از آن جمله می‌توان به رویکرد مدیریت مشارکتی، مدیریت یکپارچه و حکروایی مطلوب شهری اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع در این تحقیق هدف سنجش توسعه پایدار شهری در توزیع فضایی خدمات شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه شهری در کلان‌شهر اهواز بوده که نتایج حاصل به شرح زیر است.

با توجه به حاکمیت رویکردهای سنتی در نظام مدیریت شهری اهواز نیاز به تغییر رویه از طرح‌های جامع سنتی به طرح‌های راهبردی - ساختاری با انعطاف‌پذیری بالا احساس می‌شود. همچنین ارگان‌های اداره‌کننده شهر نیز باید تغییراتی در خود ایجاد نمایند تا علاوه بر توزیع فضایی مناسب خدمات شهری و دستیابی به توسعه پایدار موجب شکل‌گیری مدیریت یکپارچه نیز گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که توزیع خدمات اداری، نظامی، فضای سبز، بهداشتی و غیره به صورت یکسان در سطح مناطق توزیع نشده‌اند و نوع بی‌عدالتی در توزیع فضایی توسط مسئولان امر دیده می‌شود و همچنین نتایج حاصل از نرم افزار اس پی اس اس نشان می‌دهد که بین توسعه پایدار شهری و مدیریت یکپارچه شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بنابراین، برای برون رفت از این وضعیت و دستیابی به توسعه پایدار شهری پیشنهاداتی نیز در زیر آرایه شده است:

تحقق رویکرد مدیریت مشارکتی در نظام برنامه‌ریزی شهری و استفاده از افراد بومی متخصص، شرکت‌ها و نهادهای خصوصی در کنار ارگان‌های دولتی

عدم تأکید صرف به روش‌های کمی و ایستا و ترکیب آنها با روش‌های کیفی و پویا،

ایجاد اهرم‌های کافی و افراد ماهر در نظارت و اصلاح توزیع فضایی خدمات شهری،

استفاده از متخصصین مختلف علوم اجتماعی، اقتصادی و ... در نظام برنامه‌ریزی شهری،

استفاده از طرح‌های محلی و گسترش ارتباط سیستمی بین ارگان‌های اداره کننده‌ی شهر، مجهزسازی ارگان‌های اداره کننده‌ی شهر به سیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین گسترش پهنای باند اینترنت در سطح شهری برای تسریع در بهره‌مندی از خدمات، و توجه به نیازها، اهداف و امکانات شهرداری‌ها.

منابع

۱. بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۵)، بررسی عدم تعادل‌های فضایی - اجتماعی شهر ایلام از دیدگاه توسعه پایدار، مجله شهرداریها، سال ششم، شماره ۷۳.
۲. پاتر، ر؛ سلی لوید، ا. ۱۳۸۴. شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه (کیومرث ایران‌دوست، مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول تهران
۳. پوراحمد، احمد؛ مهدیان، معصومه و مهدی، علی (۱۳۹۴)، تحلیلی بر عوامل عدم تحقق مدیریت یکپارچه شهری از دیدگاه قوانین موجود، مجله اقتصاد و مدیریت شهری، شماره دوم.
۴. حاتمی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۱): شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مطالعه‌ی موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۶۳-۴۱).
۵. حسین زاده دلیر، کریم و حسن هوشیار (۱۳۸۵)، دیدگاه‌ها، عوامل و عناصر موثر در توسعه‌ی فیزیکی شهرهای ایران، جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره ششم.
۶. حیدری، رحیم؛ عزیززاده، شاهین؛ قلیکی، بهمن و ایمانی، حکیمه (۱۳۹۴)، تحلیلی بر نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر مدل‌های vikor و SAW در استان آذربایجان شرقی مطالعه موردی شاخص بهداشتی درمانی، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۱.
۷. ذاکریان، ملیحه، میرنجف موسوی و علی باقری کشکولی (۱۳۸۹): تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میند از منظر توسعه پایدار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اولف شماره دوم، صص ۶۱-۸۴.
۸. رضوانی، محمدرضا، صحنه، بهمن (۱۳۸۲)، سنجش سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی مطالعه موردی: دهستان‌های شهرستان‌های بندر ترکمن، روستا و توسعه، ش ۳.
۹. شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۴)، سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی، مورد: پاکدشت، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶.
۱۰. شاهنوشی، ناصر، زهرا گلریزضیایی و حمید رضا باقری (۱۳۸۵): تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، مجموعه مقالات کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، جلد اول، مشهد.
۱۱. مرصومی، نفیسه (۱۳۸۳): تحلیل عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی - آموزشی شهرداری‌ها، شماره ۶۰، تهران.
۱۲. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری اهواز (۱۳۹۰-۱۳۹۵)، آمار نامه کلانشهر اهواز، انتشارات روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری اهواز.
۱۳. معروف نژاد، عباس (۱۳۹۰)، تأثیر کاربری‌های شهری در ایجاد جزایر حرارتی مطالعه موردی: شهر اهواز، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، سال چهارم، شماره ۱۴.

14. Arbakaf, A, (2008), on the measurement of service sector in urban economy, Roulledge- London.
15. Drakakis- Smith , David, (2000), Third World Cities: Second Edition , Routledge, London.
16. Dufaux, F, (2008), Birth Announcement, justice Spatial, www.JSSJ.org.
17. Dupont, V. (2007), Do geographical agglomeration, growth and equity conflict?. Papers in Regional Science, 86.
18. Gilman,R(1996),Sustainability,URL.:http://www.context.org/AIADef.htm.
19. Gomez, F. & Salvador, P. (2006), "A proposal for green planning in cities", International journal of sustainable development and planning, 1(1)

20. Gray, R.,(2002): Social Accounting Project and Accounting Organization and Society Privileging Engagement, Imaging New Accounting Organizations and Society.
21. Marcotullio, Peter, J, (2001), Asian Urban Sustainability in the era of globalization, united Nation University, Institute of Advanced Studies, Tokyo, Japan.
22. Noorbakhsh, F. (2002), Human Development and Regional Disparities in Iran: a Policy -15.
23. Shankar, R., & Shah, A. (2003). Regional development policies in India: helping regions or building transfer dependencies? Processed (in draft). Washington, DC:The World Bank.
24. Talen, E., and Anselin, L., (1998):Assessing Spatial Equity: An Evaluation of Measures of Accessibility to Public Playgrounds. Environment and Planning a, Vol. 30, No. 1, pp: 595-613.
25. Tsou, K.W. Hung, Y. T. Chang, Y. L., (2005): an accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities, Cities, Vol 22, pp423-435